

چهارمین منبر محرم 1443؛ موضوع: مسأله شرعی و ادامه بحث اصول اخلاق اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله و على آله آل الله الذين بهم فتح الله و بهم يختم الله

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ و عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ و فِي كُلِّ سَاعَةٍ و لِيًّا و حَافِظاً و

قَائِداً و ناصِراً و دَلِيلاً و عَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً و تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

مطابق شبهای گذشته ابتدا مسأله ای را عرض می کنم و سپس از بحث اخلاق اجتماعی آن چه زمان به ما اجازه

دهد، محضرتان بیان می کنم.

در دو شب راجع به نماز، وضو و غسل اشاراتی داشتیم امشب تصمیم این است که از بحث وضو، فاصله بگیریم

منتها حیفم می آید روایتی را از امام صادق علیه السلام نخوانم.... من بات علی وضوء فراشه مسجده ؛ کسی که با

وضو بخوابد مثل این است که فراش او مسجدش هست یا روایتی است مبنی بر این که مثل کسی است که

تاصبح نماز می خواند...و حتی گفته شده مثل کسی است که تا صبح در سجده است. و افضل و بالاترین حالت

در انسان در نماز وقتی است که در سجده است. سعی کنیم مقید باشیم به انجام این گونه اعمال و اگر تا کنون

مقید نبودیم سعی کنیم از این به بعد انجام دهیم.

یک نکته دیگر این که سعی کنیم در انجام عبادات دچار اسراف هم نشویم مثلاً وقتی می خواهیم وضو بگیریم باید

سعی کنیم اسراف نکنیم گاهی اوقات باید گفت اگر عبادت نکنیم بهتر است با اسراف که در مصرف آب داریم مثلاً

فرد می خواهد وضو بگیرد از اول تا آخر آب باز است. این اشکال دارد و باید مواظب بود. ان المبذرين كانوا اخوان

الشیاطین.....

حتی گفته اند اگر کسی حال وضو ندارد، تیمم کند و بخوابد...حتی روی همان رختخوابش هم تیمم کند....به هر

صورت چه بگویم؟ خدای داریم که دنبال بهانه است که به بندگانش پاداش و ثواب دهد، خدای متعال بندگانش

را دوست دارد و علاقمند است که به بندگانش محبت کند..... بنابراین این گونه ثوابها را عجیب و غریب ندانید.... انشاءالله این مطلب را اگر سوغات یا هدیه حساب میکنید از این جلسه، از جلسات اباعبدالله هدیه هم از من نیست؛ از امام حسین و حضرت ابوالفضل العباس و امام صادق علیهم السلام است انشاءالله که مراعات کنیم.

انشاءالله که انجام این مستحبات جبران کننده واجبی باشد که انسان نسبت به آن کوتاهی کرده است یا درانجام آن نقصی بوده است.

اخلاق اجتماعی

در دو شب گذشته عزیزانی که حضور داشتید کاملا مستحضرید ما راجع به حسن خلق چه راجع به اخلاق فردی، و چه با تفسیر اخلاق اجتماعی مطالبی را عرض کردم، امشب بحثی که داریم با یک سوال شروع می شود من از شما می پرسم و یک لحظه هم صبر می کنم که فکرتان متمرکز شود.... انسان در زندگی گاهی ناراحتی هایی را می بیند. خلاف توقعش می شود یا به او ظلم می شود. گاهی وقتها ظلم هم نمی شود؛ خودش توهم می کند که به او ظلم شده است. ما در برخورد با کسانی که احيانا به ما ستم کردند و ضد توقع ما برای ما کاری کردند و از دستشان ناراحتیم در مقابل این ها چه کار می کنید؟ چند نوع رفتار می توان در چنین موقعیتهایی داشت؟ انسان در مقابل ناملایمات مخصوصا وقتی غضب و خشم دارد، اسلام چه به ما می گوید؟ در این موقع چه کار باید کرد؟ چهار نوع رفتار قابل تصور است و ما در خارج می بینیم. رفتار اول این است که انسان آن بد رفتاری را جبران می کند و آن ظلم را جبران میکند بیشتر از آن چه آن بنده خدا انجام داده است. مثلا فرض کنید یک نفر به یک نفر خدای ناکرده فحش داده است، و او هم چندین برابر یا سیلی می زند یا فحش می دهد و بعد مدعی میشود که فلانی فحش داد و من ده برابر جبران کردم!!!

ببینید این را ما به آن می‌گوییم ظلم... یعنی اگر اولی ظلم کرده است، شما هم ظلم مضاعف کرده‌اید!!! سوای از مقدار برابر مازادش گناه نابخشودنی است... شعارش هم این است که جواب کلوخ، سنگ است... زودخشم و دیر بخشش برخی این طوری اند؛ زود غضب می‌کند و هر وقت هم خشمگین می‌شود، هر چه خواست می‌گوید... این یک نوع رفتار؛ رفتار ظالمانه... متجاوزانه... اما نوع دوم؛ که ما اسم آن را می‌گذاریم عدالت در عداوت، یعنی در جواب دادن عدالت را رعایت می‌کند، جواب را می‌دهد اما انصاف را هم رعایت میکنند نه می‌بخشد و نه چشم پوشی می‌کند ولی هر جوابی داد در محدوده مراعات است. ممکن است خانم یک چیزی بگوید و شوهر هم همان یا به شکل مساوی آن را جواب می‌دهد که ما به آن عدالت در عداوت می‌گوییم....

یک مقاله ای هم بنده در این باره دارم و مبنی بر این که ما مقابله به مثل را جایز میدانیم البته اگر فحش نباشد... البته همین جا هم باید توجه داشته باشیم که یک نفر به پدر یک نفر جسارت می‌کند، طرف نمی‌تواند به پدر او و یا همسر او و یا به مادر او جسارت کند به هر حال برداشت از مقابله به مثل نباید این باشد که طرف هر بی‌احترامی که کرد، طرف مقابل هم مجاز باشد که همان بی‌احترامی را داشته باشد... لذا این نکته یادتان باشد در مقاله به مثل باید نسبت به خود شخص جسارت کننده باید و اذیت کننده، مقابله به مثل صورت بگیرد...

تا این جا ما دو رفتار را گفته ایم یکی؛ انسان تجاوز از حد کند و رعایت انصاف و عدالت نکند و این بسیار بد است دوم این که رعایت عدالت و انصاف می‌کند ولی گذشت نمی‌کند یکی قاتل می‌شود و ولی مقتول قصاص میکند و رواقع این عدالت در عداوت است و اما نوع سوم، این است که نه تجاوز می‌کند نه مقابله به مثل می‌کند؛ عفو می‌کند و می‌بخشد!.. خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن المشرکین.... بیشترین آیات و روایات ما که راجع به برخورد با دیگران آمده این نوع سوم را اشاره کرده است. برخی ها گذشت که نمی‌کنند، توجیه هم می‌کنند... من همیشه به این جا که میرسم حیفم می‌آید رفتار از یک دانشمند را تعریف نکنم؛ یکی از علمای بزرگ ما خواجه نصیر الدین طوسی است؛ نام خواجه نصیر الدین طوسی برای خیلی از شما ها آشناست؛ فرد قدرتمندی بود و در دستگاه مغولان قدرتمند بود... او در واقع هم علم دارد هم قدرت... یک کج سلیقه ای زد به سیم آخر و یک نامه

ای نوشت به خواجه نصیر الدین...خواجه نصیر عالم شیعه و صاحب نامه هم یک سنی لجوج ناصبی...نامه را که نوشته بود با این عبارت شروع شد که نامه به کلب بن کلب!!!! خواجه نامه را می خواند و صدراعظم است و همه کاره حکومت است؛ چه کار کند؟ کافی بود یک کلمه بنویسد کار او را تمام کنید...یا این که جواب بدهد که انت کلب.....اما میدانیدخواجه چه کار می کند؟ گفت فلانی نامه ات را خواندم اما شما در نامه نوشتی کلب بن کلب من هر چه در خودم نگاه کردم نشانه های کلب را ندیدم ؛ سگ چهار دست و پاست ولی من دو پا دارم و دو دست دوم این که سگ چنگال دارد و من ناخن دارم سوم این سگ استخوان می خورد و من غذا می خورم...این هم اشتباه سومت و چهارم این که سگ عوعو می کند و من حرف می زنم؛ پس من سگ فرزند سگ نیستم والسلام...ببینید در اوج قدرت چه جوابی میدهد... و این را هم به شما بگویم که آدم های این جور چقدر آرام زندگی می کنند....اخیرا بنده یک جوابی به یک نویسنده ای دادم در جوابی که ایشان به من داده بود و ایشان بیست و یک ناسزا به من گفته بود البته نه از فحشهای کوچه و محله از آن ناسزاهایی که مربوط به حیطة های علمی است. من سعی کردم جواب بدهم و تماما گفتم شما ...به هر حال برخی گفتند ایکاش این گونه فضایی به جای طرد و تبر و تشر ایجاد می شود و حوزه و حیطة های تعاملی مملو از احترام می شد نه توهین و ناسزا و فحش !!لذا کار سختی نیست و چون خودم عمل کردم لذا می توانم به شما سفارش کنم...

و اما رفتار چهارم این که مقابله نکند و عفو کند و...صورت چهارم را فکر کنید انشاءالله فردا شب عرض می کنم آن است که باید شیرزن یا شیرمرد بود تا آن رفتار را داشت....

شبهای مصیبت و عزاست یک کوتاهی عرض میکنم انشاءالله بهره مند شویم یک مطلب را هم علمای سنی دارند هم علمای شیعه ،برخی ذکر مصیبتها خیلی ریشه دار است؛ دیدم این مصیبت را هم علمای بزرگ شیعه مثل قطب الدین راوندی یا عالم سنی مثل ابن عساکر در تاریخ دمشق این ها دارند، عجیب است این مطلب، وقتی سرهای شهدا را بالای نیزه کردند میدانید ابتدا از کربلا به کوفه آوردند، حتی در کوفه به دار کشیدند منتها چون عجله داشتند سرها را پایین آوردند تا به دمشق ببرند...در جاهای مختلف سر بریده اباعبدالله الحسین آیاتی از

قرآنا خوانده است؛ اگر زبانی همه عمر خواند اگر سری و چشمی همه عمر به قرآن دوخته شد، آیا از قدرت خداوند به دور است که مترنم به آیات قرآن باشد؟! زید بن ارقم می گوید وقتی سرها را به کوفه آوردند، برای یک لحظه من در یک حجره نشسته بودم که دیدم سر ابا عبد الله الحسین مقابل من قرار گرفت، دیدم سر شروع کرد به قرآن خواندن؛ ام حسب ان اصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آیاتنا عجا... این را یک عالم سنی می گوید که امام علیه السلام اشاره می کند به داستان اصحاب كهف... بعد زید بن ارقم می گوید بسیار بسیار تعجب کردم و گفتم به خدا قسم داستان شما از داستان اصحاب كهف هم عجیب تر است. اگر آن داستان از آیات الهی است، داستان شما هم از آیات الهی است با زد رجای دیگری، در دمشق جالب هم این است که برخی وقتها هم امام این آیه را خوانده اند و یا این که دیگران که خوانده اند، امام جواب داده اند.

و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

الا لعنة الله على القوم الظالمين